

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۲۷، پاییز ۱۳۹۵، ویژه علوم سیاسی

وجوه تمایز و تشابه نقش ایران در مقایسه با کشورهای عربستان، قطر و ترکیه در تحولات سیاسی ۲۰۱۱-۲۰۱۶ مصر

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۳/۲۳

تاریخ تأیید: ۹۵/۰۶/۲۰

محمد لطفی*

چکیده

تحولات انقلابی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نقطه عطفی در تاریخ سیاسی این منطقه محسوب می‌شود. اهمیت این تحولات چنان است که حساسیت و توجه بسیاری از بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را در پی داشته است. در این میان کشورهای همجوار ایران، ترکیه، عربستان و قطر بازیگران مهم منطقه‌ای محسوب می‌شوند که هر کدام از آنها اهداف و منافع خاص خود را دارند. در این رساله در پاسخ به سؤال اصلی یعنی نقش ایران در تحولات سیاسی ۲۰۱۱-۲۰۱۶ مصر در مقایسه با کشورهای عربستان، ترکیه و قطر مشخص شد که ایران در جهت تغییر ساختار سیاسی حکومت مصر و ایجاد ساختار حکومت مردمی و اسلامی ایفای نقش نمود، در حالیکه عربستان در ابتدا در پی حفظ ساختار نظام سیاسی موجود و سپس کنترل انقلاب برآمد و سیاست‌های افراطی عربستان باعث انحراف در انقلاب مصر گردید. قطر و ترکیه نیز در پی تغییر حکومت و ایجاد ساختار جدید با گرایش‌های اخوانی بودند. ترکیه به طور خاص بدنبال حاکمیت اخوان با مدل اسلامی ترکیه بود.

واژه‌های کلیدی: انقلاب ۲۰۱۱ مصر، مطالعه مقایسه‌ای سیاست خارجی، ایران، ترکیه، عربستان و قطر

* کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم ع.

مقدمه

با تحولات اخیر خاورمیانه و پیدایش انقلاب‌های عربی در برخی از کشورهای منطقه شاهد دگرگونی و بروز مسائل جدید در معادلات قدرت منطقه‌ای می‌باشیم یکی از کشورهایی که در تحولات جدید خاورمیانه دستخوش تغییرات سریع و فزاینده گردید کشور مصر می‌باشد. در این کشور در سال ۲۰۱۱ مردم علیه رژیم حاکم قیام کردند و توانستند رژیم پادشاهی مبارک را ساقط کنند، پس از انقلاب سرانجام در یک فرایند انتخاباتی محمد مرسی را بعنوان رئیس جمهور انتخاب کردند این تحول در مصر آثار و پیامدهای گسترده‌ای را به همراه آورد. از آنجا که مصر دارای موقعیت استراتژیک می‌باشد لازم است جایگاه و نقش قدرتهای منطقه‌ای نیز در روند پیدایش انقلاب و تحولات پس از آن مطالعه گردد، بعلاوه عوامل و متغیرهای منطقه‌ای تأثیرگذار بر ناتمام ماندن انقلاب و فرو پاشی حاکمیت اخوان مطالعه گردد. مهم‌ترین دلیل انتخاب هر یک از کشورهای ایران، ترکیه، عربستان و قطر به عنوان قدرت منطقه‌ای تأثیرگذار در انقلاب مصر این بود که هر یک از این کشورها بیش از کشورهای منطقه در تلاش بودند تا مسیر انقلاب مصر را به نفع خود سوق دهند. ایران از تغییر ساختار سیاسی حکومت مصر و ایجاد حکومت مردمی و اسلامی حمایت کرد، در حالیکه عربستان سعودی در ابتدا می‌خواست انقلاب مردمی مصر به نتیجه نرسد اما وقتی که آن را حتمی دید در پی کنترل آن برآمد و با رویکردهای افراطی باعث انحراف انقلاب مصر شد.

قطر و ترکیه حامی انقلاب و ایجاد ساختار تازه‌ای با گرایشات اخوانی بودند، ترکیه به طور خاص به دنبال تغییر حکومت به نفع اخوان و حاکمیت آن با مدل اسلامی ترکیه بود. در این تحقیق تلاش می‌شود تا بیان شود که هر یک از این قدرتهای منطقه‌ای یعنی

ایران، عربستان، ترکیه و قطر در پیدایش انقلاب و تحولات پس از آن به صورت مقایسه‌ای چه نقشی داشته اند؟

گفتار اول: نقش ایران و عربستان دربارهٔ انقلاب ۲۰۱۱ مصر، حاکمیت اخوان المسلمین و حاکمیت ارتش (السیسی)

۱. نقش ایران و عربستان در مورد انقلاب ۲۰۱۱ مصر (ایران موافق انقلاب و عربستان مخالف انقلاب)

ایران اسلامی بعنوان یکی از قدرتهای مهم منطقه‌ای خواهان ایجاد نظم نوین بر اساس منافع ملل منطقه است. نظمی که در حال شکل‌گیری است و قدرتهای خارجی حافظ وضع موجود مخالف حرکت‌های انقلابی به نفع ملت‌ها هستند. بر اساس مدل مورگان همواره میان قدرتهای اثرگذار درون منطقه‌ای نیز ممکن است تعارضاتی بوجود آید. بیداری اسلامی در منطقه با قرائت‌های متفاوتی از سوی ایران، عربستان، ترکیه و قطر مواجه شد. در این میان انقلاب مصر سرآغازی برای ایجاد نظم نوین بود. جمهوری اسلامی ایران بر اساس سیاست اصولی خود در حمایت از ملت‌های مستضعف، مظلوم و انقلابی و مخالف با دولت‌های دست‌نشانده و غرب‌گرا، حمایت خود - در سه سطح دولت، ملت و نخبگان - را از انقلاب ۲۰۱۱ مردم مصر اعلام کرد. حضرت آیه الله خامنه‌ای به عنوان عالی‌ترین مقام سیاسی و مذهبی کشور، خطبه دوم نماز جمعه ۱۵ بهمن ۱۳۸۹ در تهران را به حوادث مصر و تونس اختصاص دادند.

اظهارات ایشان در جهت تقویت قیام و همراهی صمیمانه بود. رهبر انقلاب حضرت آیه‌الله خامنه‌ای علت حرکت کشورهای عرب را در قدرتهایی دانستند که با وابستگی به بیگانه باعث تحقیر کشورهای خود شدند. (حسینی، عارف: ۱۳۹۰: ۱۲۸-۱۳۶)

دکتر محمود احمدی نژاد رئیس جمهور وقت جمهوری اسلامی ایران هم خطاب به ملت‌های عرب و جوانان مصر گفت: حق شماست که درباره مسائل کشوری و جهانی آزادانه اعمال نظر کنید و سرنوشت خود را به دست خود تعیین کنید. انتخاب نوع حاکمان و شخص حاکمان و اداره حکومت حق شماست. حق شماست که توحید و عدالت را مطالبه و در راه تحقق آن مجاهدت کنید. بشارت باد بر شما پیروزی، عزت و سرافرازی.

رامین مهمانپرست سخنگوی وزارت امور خارجه تظاهرات مردم مصر را حرکتی عدالت خواهانه و در جهت تحقق خواسته‌های ملی و اعتقادی دانست.
(<http://www.fardanews.com/135144>; ۹ بهمن ۱۳۸۹)

علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی تأکید کرد اگر بناست نامی بر انقلاب مردم مصر و تونس نهاد باید آن را انقلاب آزادگان نامید که در شعارهای مردم مصر هم دیده می‌شود.

همچنین مراجع عظام تقلید، نهادهای روحانی، دانشگاهیان و اقشار مختلف نخبه در ایران از ابتدای انقلاب مصر از حرکت مردم حمایت کردند و پس از پیروزی آن نیز علاوه بر تبریک گفتن، پذیرای هیأت‌های مختلفی از نخبگان مصری شدند.
(<http://www.fardanews.com/135261>; ۱۰ بهمن ۱۳۸۹)

رسانه‌های ایران ° مخصوصاً رسانه‌های برون مرزی ° حوادث انقلاب مصر را کاملاً پوشش دادند و از مردم مصر پشتیبانی کردند. شبکه‌های ماهواره‌ای العالم و پرس تی وی با برنامه‌ها و بخش‌های خبری ویژه این رویداد را لحظه به لحظه مخابره کردند. سایت‌های اینترنتی ایرانی نیز تلاش خود را برای پشتیبانی از انقلابیون مصر انجام دادند.

عربستان سعودی برخلاف ایران موافق با انقلاب مردمی ۲۰۱۱ مصر نبود. عربستان سعودی از هر ترفندی برای عدم موفقیت انقلاب مصر دریغ نکرد. کوشش برای ایجاد موانع در رسیدگی به اتهامات حسنی مبارک و خانواده اش در دادگاه، حمایت از گروه‌های

سلفی مصر جهت تفرقه افکنی و نزاع‌های مذهبی و دعوت از مبارک و خانواده او برای حضور دائمی در عربستان و حمایت از کاندیداتوری عمر سلیمان یکی از چهره‌های اصلی حکومت مبارک در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۲ و سپس حمایت قاطعانه از احمد شفیق دیگر هم پیمان مبارک در مقابل محمد مرسی تنها چند مورد از اقدامات عربستان علیه انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ مصری‌ها بود. روابط بین مصر و عربستان سعودی با شروع تغییرات در مصر و مواضع مخالف عربستان سعودی با حرکت‌های مردمی علیه حکومت مبارک رو به سردی گرایید چرا که با سقوط مبارک به عنوان متحد اصلی عربستان در منطقه و دگرگونی‌های قابل توجهی که در منطقه بوجود آمد، عربستان سعودی خود را در مقابل نظم نوین در مصر و منطقه می‌دید و تلاش می‌کرد این وضعیت را دگرگون سازد. روابط مصر و عربستان در دوره حسنی مبارک، مستحکم و دوستانه بود. مصر و در رأس آن مبارک بر سرمایه‌گذاری خارجی تأکید داشت، به همین دلیل از سرمایه‌گذاری دیگر کشورها از جمله عربستان استقبال می‌کرد. ارزش سرمایه‌گذاری عربستان در مصر بین ۵/۴ تا ۴/۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود. افزایش روابط اقتصادی و اتخاذ دیدگاه‌های مشترک در قبال مسایل مختلف منطقه‌ای و جهانی موجب شد تا در بسیاری از موارد رهبران دو کشور به دیدگاه‌ها و مواضع مشابهی برسند. عربستان بویژه از این فرصت برای وابسته کردن بیشتر مصر به خود و تثبیت جایگاه منطقه‌ای خویش استفاده می‌کرد. عربستان با هر گونه تغییر و تحولی در مصر که حکومت مبارک را تهدید می‌کرد به شدت مخالف بود، چرا که این تحولات منافع کشورش را به خطر می‌انداخت. کشور عربستان با داعیه فرقه وابسته وهابیت، یکی از مهم‌ترین عوامل تشدید شکاف عقیدتی میان شیعه و سنی در منطقه است. کمک‌های اقتصادی این کشور و سرمایه‌گذاری آن در مصر و حمایت از حزب سلفی النور در این کشور که گفتمان سازش با غرب و ضدیت با شیعه را به یکدک می‌کشد، مانعی بر سر راه بهبود روابط ایران و مصر در عصر بیداری اسلامی پس از سقوط رژیم مبارک است. سفر رئیس‌جمهور ایران در بهمن ۱۳۹۱ به مصر می‌توانست نقطه عطفی پس از سی سال روابط سرد میان دو کشور باشد و به رغم تمایل إخوان

المسلمین به گسترش روابط سیاسی میان دو کشور، حزب سلفی النور از سفر مقام‌های ایرانی استقبالی به عمل نیاورد.

در مجموع ایران موافق با انقلاب ۲۰۱۱ مصر بود و آن را حرکتی مردمی و در راستای تحقق یافتن اهداف اصیل مردم و ارزشهای اسلامی برآمده از فرهنگ اسلامی مردم می‌دانست اما عربستان در جبهه مقابل ظاهر شد و تلاش فراوانی در جهت خنثی کردن حرکت مردم و ایجاد انحراف در آن نمود.

۲. مواضع ایران و عربستان در قبال حاکمیت إخوان المسلمین (مرسی)

رویکرد جمهوری اسلامی ایران ابتدا نسبت به حاکمیت إخوان المسلمین و در رأس آن محمد مرسی که با روش دموکراتیک بر سر کار آمده بود و نوید برپایی یک حکومت اسلامی دموکراتیک را می‌داد مثبت بود چرا که امید زیادی به از سرگیری روابط محکم و مستمر بین دو کشور می‌رفت. اما آنگونه که انتظار می‌رفت اتفاق نیفتاد و روابط به حد مطلوب نرسید. به نظر می‌رسد که إخوان المسلمین، وجه انقلابی مثل انقلاب اسلامی ایران نداشت و لذا نمی‌توانست همانند انقلاب اسلامی ایران در مقابل استکبار بایستد. این عدم تعادل بین إخوان المسلمین و انقلاب اسلامی ایران در تعامل با غرب، خود می‌تواند یکی از عوامل مهم در عدم بهبود روابط ایران و مصر جدید باشد.

سفر محمد مرسی، اولین رئیس‌جمهور پس از انقلاب مصر به ایران که پس از قطع روابط گذشته، امید برقراری روابط را زنده ساخته بود و امید بود که جبهه واحدی را ضد استکبار سامان دهند، با سخنرانی سرد محمد مرسی در تهران نقش برآب شد، سخنرانی که مرسی ترجیح داد با زنده کردن اختلاف‌های شیعه و سنی در باب خلفای نخستین اسلامی به گستردگی و عمق اختلاف‌های شیعه و سنی اشاره کند؛ همچنین تحولات بعدی نشان دادند که انتظاراتها برای ایجاد جبهه‌ای واحد در برابر قدرتهای جهانی، بیش از حد آرمانگرایانه بوده است. سفر رئیس‌جمهور ایران در بهمن ۱۳۹۱ به مصر می‌توانست

نقطه عطفی پس از سی سال روابط سرد میان دو کشور باشد، اما به رغم تمایل إخوان المسلمین به گسترش روابط سیاسی دو کشور حزب سلفی النور از سفر مقام‌های ایرانی استقبال خوبی به عمل نیاورد. در واقع باید گفت به رغم امیدها و شوق‌ها برای وحدت جهان اسلام، در سطحی واقعی به سادگی نمی‌توان شکاف شیعه و سنی را نادیده گرفت.

شهادت مظلومانه شهید حسن شحاته و برادرش محمد شحاته و همراهانش در شامگاه ۲ تیر ۱۳۹۲ بدست سلفی‌ها که با چراغ سبز محمد مرسی اتفاق افتاد را نیز می‌توان به پرونده سیاه مرسی اضافه کرد و از عواملی که باعث قطع امید از محمد مرسی شد برشمرد.

راسم النفیس از رهبران شیعی مصر تأکید کرد، جنایتی که علیه شیعیان استان الجیزه (شهادت حسن شحاته و همراهان) مصر اتفاق افتاد بازتاب سخنان تحریک آمیز محمد مرسی بود و سرانجام همین خون که مظلومانه به زمین ریخت، باعث سرنگونی وی گردید. (<http://www.shia-news.com/58491>؛ ۱۹ تیر ۱۳۹۲)

واقعیت امر این است که مبارک و مرسی هر دو به ورطه افراط گرایی افتادند. هدف اصلی هردوی آنها قبضه کردن قدرت و تثبیت قوه فرماندهی سیاسی کشورشان بود. در سایه حکومت مبارک غرب گرایان جان گرفتند و در سایه حکومت مرسی طرفداران گروه‌های تکفیری! این در حالی است که غربگرایان و تکفیری‌ها را می‌توان به دو لبه یک قیچی تشبیه کرد، که حرکت آن می‌تواند یک ملت را فلج کند.

اما موضع عربستان در قبال حاکمیت إخوان؛ واقعیت این است که عربستان به هیچ وجه از الگوی سازمانی و قرائتی به نسبت گرایش‌های مدنی إخوان المسلمین که ظاهراً به مظاهر و نمادهای حکومت دموکراتیک همچون تفکیک قوا، قانون اساسی، پارلمانتاریسم و حاکمیت قانون، باور دارد استقبال نمی‌کند. چرا که هیچ یک از موارد فوق در عربستان سعودی رعایت نمی‌شود. اگر نگاهی به روابط إخوان و عربستان داشته باشیم مشاهده

خواهیم کرد که نزدیکی إخوان المسلمین و عربستان در دهه ۱۹۸۰-۱۹۶۰ نیز بیشتر تاکتیکی و مصلحتی ناشی از شرایط آن دوران بود. سعودی‌ها خیلی سریع نقش خود را در تحولات اخیر مصر و برکناری مرسى پذیرا شدند. ملک عبدالله پادشاه سعودی دو ساعت بعد از اقدام ارتش در سرنگونی دولت قانونی و منتخب مرسى در پیامی رسماً از اقدام ارتش حمایت کرد و نقش خود را در این زمینه علنی کرد. (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۱۸۳)

یکی از موضوعاتی که باعث اختلاف بین جریان إخوان المسلمین و عربستان شد، نوع رابطه إخوان با ایران است. حکومت آل سعود خاطره پیروزی انقلاب اسلامی را از ذهن خود پاک نکرده و به خاطر دارد که إخوان المسلمین اولین گروهی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی آن را تأیید و از پناه دادن شاه توسط رژیم مصر انتقاد کرد. این جماعت در سال ۱۳۵۷ بیانیه‌ای صادر کرد و انقلاب اسلامی ایران را الگویی برای مبارزات اسلامی خود علیه دولت وابسته و ضد اسلامی مصر دانست و از تمام مسلمانان جهان خواست از مسلمانان ایران سرمشق بگیرند. مقامات عربستانی به خوبی آگاهند که اگر مصر به طور عام و إخوان المسلمین به طور خاص در این کشور قدرتمند شوند و دوران بحران‌های پس از انقلاب را پشت سر بگذارند، می‌توانند جایگاه کنونی عربستان را در جهان عرب به خطر انداخته و با توجه به ظرفیت‌هایی که دارند بار دیگر رهبری جریان‌های عربی را بر عهده بگیرند. مجموع عوامل نگران کننده فوق باعث مخالفت عربستان با حکومت إخوان المسلمین و در رأس آن محمد مرسى شد لذا بدنبال راه و چاره برای برکناری مرسى و دولت إخوانی برآمدند و سرانجام با حمایت عربستان با کودتای ارتش به حاکمیت إخوان پایان داده شد. (<http://peace-ipsc.org>: ۱۸ مرداد ۱۳۹۲)

۳. مواضع ایران و عربستان در قبال حاکمیت ارتش (السیسی)

در رابطه با رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال حاکمیت ارتش چند نکته قابل

ذکر است؛

جمهوری اسلامی ایران در قبال دعوت رسمی دولت السیسی از رئیس جمهور کشورمان، در سطح معاون وزیر خارجه (حسین امیر عبداللهیان) نماینده اعزام نمود. این بدان معناست که علاوه بر اینکه ایران به طور کامل موافق فرایند طی شده در مصر نسبت لیکن نگاه به آینده دارد و امیدوار است شرایط به گونه‌ای رقم بخورد که خواست مردم مصر باشد و این کشور روی آرامش را ببیند.

ژنرال السیسی یکی از نکات مورد نظر خود در برقراری ارتباط با ایران را نحوه تعامل و رفتار ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس و بر طرف نمودن نگرانی‌های امنیتی در این مورد ذکر کرده بود. بنابراین حضور نماینده جمهوری اسلامی ایران در مراسم تحلیف وی پیامی است به کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس و همسایگان مبنی بر اینکه ایران خواستار گسترش روابط برادرانه با همسایگان خود است. دعوت از رئیس جمهور کشورمان و گفتگوی صمیمانه و گرم السیسی با نماینده اعزامی از ایران، حداقل بیانگر مخالفت عملی او با تکفیر شیعیان است در حالی که ما در دولت محمد مرسی خلاف آن را شاهد بودیم. ژنرال السیسی هرچند با کودتا بر سر کار آمد و منتخب مردم را بر کنار نمود لیکن براین باور رسیده است که امکان بازگشت به دوران دیکتاتوری سابق وجود ندارد، لذا سعی کرد با وجهه ی مردمی و دموکراتیک به کار خود ادامه دهد و بر همین اساس اقدام به برگزاری یک انتخابات و با حضور دیگر نامزدها نمود. هرچند ممکن است این انتخابات واقعاً مردمی و آزاد نبوده باشد، لیکن نفس قبول این حقیقت که مصر دوره جدیدی را آغاز کرده و دیگر دیکتاتوری به شکل سابق در آن پذیرفته نیست، نکته قابل تأملی است.

بنابراین مواضع ایران نسبت به دوران پس از انقلاب همواره محتاطانه بوده است و در صورت لزوم برحسب شرایط نگرانی خود را نیز اعلام کرده است. وزارت امور خارجه در چند نوبت نسبت به افزایش خشونت‌ها و سرکوب معترضان در مصر پس از سقوط مرسی ابراز نگرانی کرد؛ امری که واکنش دولت مصر را به دنبال داشت و در مواردی حتی به احضار مسئول دفتر حافظ منافع ایران در مصر از سوی دولت این کشور و موضع

گیری‌های رسمی منجر شد. ایران نسبت به انتخاباتی نیز که از سوی همان دولت نظامی برگزار شد و تنها دو نامزد در آن شرکت داشتند و مهمتر از همه با بایکوت کامل نیروهای وابسته به إخوان المسلمین و به طور کلی گروه‌های اسلام‌گرا در مصر همراه شد، محتاطانه عمل کرد. خلاصه کلام اینکه حقیقتاً جمهوری اسلامی ایران از روی کار آمدن ارتش و حکومت ژنرال السیسی خوشنود نشد، اما با توجه به مصلحت‌هایی (فرهنگی، سیاسی و اقتصادی) که اقتضا می‌کرد ترجیح داد با رویکردی محتاطانه پیش برود و مخالفت خود را علنی نکند، به امید آینده‌ای بهتر در بهبود روابط بین دو کشور ایران و مصر. (<http://www.siasi.porsemani.ir>; ۹ مرداد ۱۳۹۵)

رویکرد عربستان در قبال دولت السیسی؛ با آغاز تنش‌ها و درگیری‌های سیاسی در مصر که به سقوط حاکمیت إخوان و مرسی انجامید، محافل و رسانه‌های وابسته به عربستان از این سقوط استقبال کرده و ریاض بلافاصله دولت انتقالی جدید به ریاست عدلی منصور را به رسمیت شناخت. چند ساعت بعد از خلع مرسی، ملک عبدالله، پادشاه عربستان با تبریک به دولت موقت مصر وعده کمک ۵ میلیارد دلاری به این کشور داد و حمایت خود را از تحولاتی که منجر به سقوط إخوان شد اعلام کرد. حمایت‌های عربستان از دولت موقت و بعد هم دولت السیسی حمایت‌های سیاسی و اقتصادی بود. السیسی در اولین گفتگوی تلویزیونی خود به عنوان رئیس جمهور مصر با مردم، عبدالله پادشاه سعودی را حکیم و بزرگ اعراب دانست؛ تعریفی که از سال ۱۹۵۲، هیچ حاکم مصری بر زبان نیاورده بود.

در پاسخ به حمایت‌های سیاسی و اقتصادی عربستان سعودی به حکومت ارتش در مصر، ژنرال السیسی برای جبران حمایت‌ها و خوش‌خدمتی به سعودی‌ها دو جزیره مصری صنافیر و تیران را به سعودی‌ها واگذار کرد که البته با مخالفت شدید مردمی و نهادهای رسمی مصر مواجه شده است و سرنوشت آینده این جزایر هنوز معلوم نیست.

(<http://www.moqavemat.ir/85112>)

گفتار دوم: نقش ایران و قطر در مورد انقلاب ۲۰۱۱ مصر، حاکمیت اخوان المسلمین و حاکمیت ارتش (السیسی)

۱. بررسی نقش ایران و قطر در مورد انقلاب ۲۰۱۱ مصر

موضع دو کشور ایران و قطر در مورد انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ مصر موافق بود و هر دو کشور از انقلابیون حمایت کردند. البته هر کدام انگیزه‌های مختلفی داشتند، جمهوری اسلامی ایران بدلائل گوناگون مثل؛ دیکتاتوری بودن نظام مبارک، حمایت رژیم مبارک از رژیم غاصب صهیونیستی، باج دادن به ابر قدرتها، مفاسد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که جامعه مصر را فرا گرفته بود، از انقلاب مردمی مصر که سرآغاز بیداری اسلامی نوین بود حمایت کرد.

کشور قطر نیز نسبت به انقلاب ۲۰۱۱ در نقش موافق ظاهر شد یعنی از انقلاب مصر و انقلابیون مصری حمایت کرد. دفتر امیر قطر با صدور بیانیه‌ای از سقوط دیکتاتور مصر استقبال کرد و خواستار برقراری روابط ویژه با مصر جدید شد. به گزارش فارس به نقل از خبرگزاری فرانسه، دفتر شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی امیر قطر در بیانیه‌ای از انتقال قدرت در مصر به شورای عالی نظامی و کناره‌گیری حسنی مبارک از قدرت استقبال کرد. این بیانیه انتقال قدرت به شورای نظامی را اقدامی مثبت در راستای تحقق خواسته‌های ملت مصر برای دستیابی به دموکراسی و اصلاح و رسیدن به حیات کریمه خوانده و تأکید کرد که دولت قطر امیدوار است که این کشور بتواند نقش رهبری خود را در جهان عرب بار دیگر به دست آورد. قطر در این بیانیه بر تمایل شدید خود بر تشدید روابط با جمهوری عربی مصر تأکید کرد. (<http://alef.ir/95505>; ۲۲ بهمن ۱۳۸۹)

قطر در سال ۱۹۹۶ اقدام به تأسیس شبکه الجزیره کرد. با مطرح شدن الجزیره به عنوان رسانه آزاد عربی، قطر از آن به عنوان ابزار سیاسی در جهت پیشبرد اهداف خود و نیز مطرح شدن به عنوان برند خبری در نظام بین الملل استفاده کرد. الجزیره اولین شبکه

خبری ۲۴ ساعته عربی در جهان اسلام است که به طور خاص پس از پوشش خبری ویژه رخدادهای سیاسی در منطقه و فرا منطقه را پوشش می‌دهد. شبکه الجزیره با هدف مقابله با خاندان آل سعود تأسیس شد. پوشش اخبار جنگ افغانستان (۲۰۰۱) و جنگ عراق (۲۰۰۳) باعث شهرت این شبکه شد. با وقوع انقلاب‌های عربی در مصر و تونس و لیبی شاخص‌های فهم سیاست خارجی قطر بیشتر نمایان شد. رهبران قطر بر این باورند که در فقدان رهبر بلامنازع عرب با رسانه‌ای همچون الجزیره و حمایت از پژوهشگران و علمای اخوانی می‌توانند رهبری سیاسی جهان عرب و خاورمیانه را از آن خود کنند. انقلاب‌های عربی و تقویت هلال اخوانی یکی از اهداف مهم سیاست خارجی قطر به شمار می‌رفت. (پورسعید، فرزاد؛ ۱۳۹۲: ۷۷)

خلاصه کلام اینکه ایران و قطر هر دو موافق وقوع انقلاب در مصر بودند. کشور ایران موضع خود را در مورد انقلاب ۲۰۱۱ مصر صریحاً اظهار کرد، به طوریکه مقامات بلند پایه ایرانی رسماً از انقلاب مردمی مصر حمایت خود را اعلام داشتند. قطر نیز از وقوع انقلاب در مصر استقبال و با ابزارهایی مثل شبکه الجزیره و کمپهای اقتصادی به سقوط حکومت حسنی مبارک دیکتاتور مصر کمک و در جهت سرکار آمدن حکومت اخوانی که در راستای اهداف قطر گام بر می‌داشت تلاش کرد.

۲. بررسی نقش ایران و قطر در مورد حاکمیت اخوان المسلمین (مرسی)

رویکرد ایران نسبت به روی کار آمدن اخوان المسلمین و در رأس آن محمد مرسی در مصر ابتدا مثبت بود و امید می‌رفت این روند ادامه داشته باشد چرا که با برکناری مبارک و سر کار آمدن اخوان المسلمین با گرایش‌های اسلامی، روابط بین دو کشور بعد از سی سال بهبود یابد اما متأسفانه با جهت‌گیری‌های سیاسی و مذهبی محمد مرسی که ضد شیعه و ضد ایرانی بود، انتظارات برآورده نشد لذا جمهوری اسلامی ایران نسبت به برکناری اخوان عکس‌العملی انجام نداد. محمد مرسی با فشار عربستان سعودی و آمریکا

به دشمن ایران و شیعه تبدیل شده بود و حتی نویسندگان و قلم به دستان و روزنامه نگاران برای گذران زندگی خود، ضد شیعه و ایران قلم فرسایی می‌کردند، همه این عوامل دلیل بر عدم حمایت ایران از محمد مرسی در هنگام برکناری او بود.

دولت قطر بر خلاف عربستان، با الإخوان المسلمین رابطه خوبی داشت و از روی کار آمدن الإخوان بسیار خوشنود و از آن استقبال کرد. در همان ابتدا به پشتیبانی مالی بلاعوض به ارزش ۳ میلیارد دلار از دولت جدید پرداخت. شیخ حمد، حاکم پیشین قطر گفته بود، موضع دولت قطر پس از انقلاب ۲۵ ژانویه حمایت از دولت جدید مصر است، زیرا این کشور را برادر بزرگ جهان عرب می‌داند که قدرتمندیش توانمندی همه عرب‌ها خواهد بود. بیشترین اقدامات قطر در حمایت از الإخوان در بعد رسانه‌ای و به ویژه شبکه خبری الجزیره بود، تا جایی که سخنگوی وزارت خارجه مصر به قطر درباره دخالت در امور داخلی مصر و دروغ پردازی‌های شبکه الجزیره هشدار داد. کشور قطر بر خلاف عربستان سعودی که از رویکرد محافظه کارانه و بر پایه حمایت از حکام عرب به استثنای بشار اسد حمایت می‌کرد، از یک سیاست تهاجمی مبتنی بر هم خوردن وضع موجود پیروی می‌کرد. از نظر قطر گروه الإخوان المسلمین در جهان عرب جایگاهی بهتر از سلفی‌ها دارد و از جریانهای فن سالار به شمار می‌آید که با آمریکا و غرب تعامل خوبی دارد. قطر تا پیش از انقلاب مصر هیچ وقت تا این اندازه از الإخوان المسلمین حمایت نکرده بود. بنابراین سقوط الإخوان همانگونه که ترکیه را آزرده ساخت، به همان اندازه قطر را نیز ناخشنود کرد. پذیرش دولت جدید مصر برای قطر سخت و دشوار بود. (<http://peace-ipsc.org>; ۲۵ تیر ۱۳۹۱)

۳. نقش ایران و قطر در قبال حاکمیت ارتش (ژنرال السیسی)

جمهوری اسلامی ایران از روی کار آمدن ارتش به معنای عام و السیسی به معنای خاص خوشنود نبود، اما چون رویکرد السیسی در قبال ایران از رویکرد مرسی ملایم تر و

محتاطانه تر بود، لذا هیچ مخالفت علنی با روی کار آمدن السیسی نکرد و حتی در جلسه تحلیف رئیس جمهور شرکت کرد و تبریک گفت.

رویکرد قطر نسبت به حاکمیت ارتش کاملاً منفی بود چرا که قطری‌ها حاکمیت إخوان المسلمین را کاملاً در راستای منافع خود می‌دیدند و به هیچ وجه راضی به برکناری مرسی نبودند. آنها مخالفت خود را نسبت به روی کار آمدن السیسی بارها علنی کردند. قطر و ترکیه با روی کار آمدن إخوان اهداف و طرح‌هایی برای خودشان تدارک دیده بودند لذا پذیرش سقوط مرسی برای آنها واقعیتی تلخ بود.

تشابه و تفاوت رویکرد ایران و قطر نسبت به دولت السیسی به این صورت بود که هر دو مخالف السیسی بودند و تفاوت دو کشور در علنی و غیر علنی کردن مواضع شان بود، ایران مخالفت خود را علنی نکرد اما قطر مخالفت خود را علنی کرد. ایران مانع از سقوط مرسی نشد اما قطر در تلاش برای حفظ آن بود.
(<http://www.ettelaat.com/25645>؛ ۳۰ تیر ۱۳۹۲)

گفتار سوم: نقش ایران و ترکیه در مورد انقلاب ۲۰۱۱ مصر، حاکمیت إخوان المسلمین و حاکمیت ارتش (السیسی)

۱. بررسی نقش ایران و ترکیه در قبال انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ مصر

جمهوری اسلامی ایران همانطور که بیان شد، از انقلاب مردم مصر استقبال کرد. در ایران هم در سطح دولت و هم ملت، از انقلاب مردم مصر حمایت شد. دولت و مردم ایران به خوبی روند تحولات انقلاب مصر را دنبال می‌کردند. رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران حضرت آیه الله خامنه‌ای (حفظه الله)، رئیس جمهور و رئیس مجلس هر کدام بیاناتی در حمایت از انقلاب مردمی ۲۰۱۱ مصر ایراد کردند و حمایت خود را به نحو رسمی بیان داشتند.

ترکیه در پی سیاست‌های منطقه‌ای خود و کسب جایگاه برتر در نظم نوین منطقه‌ای مانند ایران موافق انقلاب ۲۰۱۱ مصر بود و به جانبداری از تظاهرکنندگان ضد رژیم مبارک پرداخت. آنچه مسلم است سیاست‌های نعثمانی‌گرایی ترکیه نقش مهمی در این زمینه داشت و دلایل دیگر آن را می‌توان وجود رقابت استراتژیک بین دو کشور در زمان حسنی مبارک، حجم روابط تجاری بین دو کشور، عدم سرمایه‌گذاری‌های بزرگ ترکیه در مصر، وجود نزدیکی و همگرایی بین افکار (إخوان المسلمین) در این کشور و افکار رهبران حزب (عدالت و توسعه) در ترکیه دانست. رجب طیب اردوغان از حسنی مبارک تقاضای استعفا کرد و عبدالله گل رئیس‌جمهور ترکیه پس از سقوط مبارک به عنوان نخستین رئیس‌جمهور خارجی در دوره جدید وارد مصر شد. اردوغان نیز در سپتامبر ۲۰۱۱ به قاهره سفر کرد. رویکرد ترکیه در قبال تحولات مصر در دوران ناآرامی و حمایت ترکیه از گروه‌های اپوزوسیون، توجه بسیاری از گروه‌های اپوزوسیون به سوی ترکیه به عنوان الگوی جانشین جلب شد. هریک از دو کشور ایران و ترکیه بدنال‌الگوی خاص خودشان در مصر بعد از انقلاب بودند: ایران الگوی انقلاب اسلامی در قالب بیداری اسلامی و ترکیه الگوی ترکیه‌ای در قالب بهار عربی را دنبال می‌کردند. (استیری، لیلا، ۱۳۹۰، ۱۳)

۲. بررسی نقش ایران و ترکیه در قبال حاکمیت إخوان المسلمین در مصر

رویکرد ایران نسبت به حاکمیت إخوان المسلمین همانطور که بیان شد، ابتدا مثبت بود چرا که إخوان المسلمین به عنوان جناح اسلام معتدل و میانه رو شناخته شده بود و با روش دموکراتیک بر سر کار آمده بود. اما پس از گذشت چند ماه از روی کار آمدن محمد مرسی شاهد رفتارهای غیر منتظره از او بودیم. حرکاتی که هم ایران و هم بسیاری از کشورهای منطقه را به واکنش واداشت؛ گرایش‌های مذهبی افراطی، عدم قطع رابطه با اسرائیل و سیاست‌های غلطی که، بیش از ایران خود جامعه مصر را شگفت زده کرده بود! مجموعه این عوامل باعث شد مردم مصر و کشور ایران از مرسی حمایت نکنند، شاهد آنکه ایران هیچ عکس‌العملی بر علیه کودتاگران علیه مرسی و برکناری او انجام نداد. محمد

مرسی با فشار آمریکا و اسرائیل و عربستان به دشمن ضد ایران و ضد شیعی تبدیل شده بود. شاید این رویکردهای سیاسی و مذهبی غلط مرسی در قبال ایران در سقوط او بی تأثیر نبود، چرا که اگر ایران از او حمایت می‌کرد سقوط او احتمالاً به این آسانی نبود همانگونه که حمایت‌های ایران در سوریه مانع سقوط دولت اسد شده است.

کشور ترکیه از حامیان انقلاب علیه دیکتاتور مصر بود و از پیروزی مرسی در انتخابات فوق العاده خشنود شد و با تمام وجود از دولت الإخوان (مرسی) حمایت کرد. انتخاب مرسی به عنوان رئیس جمهور مصر باعث تقویت روابط (سیاسی و اقتصادی و اجتماعی) با ترکیه شد. بعد از گذشت هفت ماه از سرنگونی مبارک، یکی از اعضای بارز الإخوان المسلمین مصر موسوم به خالد الزعفرانی اقدام به تأسیس حزب عدالت و توسعه کرد. زعفرانی در گفتگو با آسوشیتدپرس، تأکید کرد که الگوی او در تأسیس حزب عدالت و توسعه، الگوی ترکی است و دقیقاً همان برنامه‌های حزب عدالت و توسعه ترکیه را دنبال خواهد کرد.

سیاست خارجی ترکیه در مصر با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه بهبود یافت و در جریان جنبش‌های اعراب، ترکیه از روند دموکراسی خواهی و مطالبات مردمی جانبداری کرده و نخبگان انقلاب مصر از ترکیه به عنوان الگو یاد می‌کنند. رجب طیب اردوغان، عبدالله گل و احمد داود اوغلو به عنوان سران دولت ترکیه هر سه از حاکمیت الإخوان حمایت کردند و سفرهای زیادی به مصر و دیدار با مرسی داشتند و بر افزایش روابط دو جانبه تأکید داشتند. داود اوغلو وزیر خارجه ترکیه پیش بینی کرد که سرمایه گذاری ۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیونی ترکیه در مصر ظرف ۲ سال به ۵ میلیارد دلار افزایش یابد و حجم تجارت کلی بین دو کشور از میزان ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار کنونی به ۵ میلیارد دلار تا پایان سال ۲۰۱۲ و تا سال ۲۰۱۵ به ۱۰ میلیارد دلار خواهد رسید. حمایت ترکیه از دولت جدید مصر نشان از تلاش ترکیه برای توسعه نفوذ اقتصادی در منطقه

شمال آفریقا داشت، که در آن مصر مهمترین کشور محسوب می‌شود. (آقاداتی، میثم؛ ۱۳۹۲: ۴۳)

۲. بررسی نقش ایران و ترکیه در قبال حاکمیت ارتش (السیسی)

رویکرد ایران در قبال حکومت السیسی در مصر همانطور که بیان شد، حکایت از یک تأیید اقتضایی و مصلحتی دارد. اما رویکرد ترکیه نسبت به حکومت السیسی در نقش مخالف بود. زیرا ترکیه با حاکمیت حزب عدالت و توسعه (اردوغان) دارای پیوندهای سیاسی و فکری با الإخوان المسلمین (مرسی) بود. کودتا علیه مرسی و ساقط کردن حکومت او توسط ارتش مصر برای ترکیه قابل تحمل نبود، چرا که ترکیه تمام بارقه‌های امیدی را که با حاکمیت الإخوان المسلمین در مصر بدست آورده بود از دست داد. لذا تمام تلاش خود را جهت محکم کردن پایه‌های قدرت الإخوان المسلمین و حفظ آن کرد اما در این زمینه موفق نشد و الإخوان بوسیله کودتای ارتش و گروه‌های مخالف سقوط کرد.

دولت ترکیه با حاکمیت حزب عدالت و توسعه، دارای پیوندهای سیاسی و فکری با الإخوان المسلمین در مصر است، لذا از سقوط دولت مرسی به شدت ابراز نگرانی کرد و همچنان به حمایت خود از دولت مرسی و محکوم کردن کودتای نظامی در مصر ادامه می‌دهد. با افزایش تنش میان ترکیه و مصر، قاهره سفیر خود در آنکارا را فراخواند و سفیر ترکیه در خاک مصر را عنصری نامطلوب خواند و از وی خواست خاک تا این کشور را ترک کند. در پی این اقدامات رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه تاکید کرد: هرگز به مسئولانی که از طریق کودتا در مصر به قدرت رسیده اند، احترام نمی‌گذارم. این درحالی است که پیش تر عبدالله گل، رئیس جمهوری ترکیه ابراز امیدواری کرده بود که اوضاع پیش آمده در روابط مصر و ترکیه موقتی باشد و دو کشور به سمت عادی سازی روابط حرکت کنند. ترکیه احساس می‌کند با اعتراض‌های گسترده مردمی و سپس واکنش ارتش که منجر به برکناری دولت مرسی شد از قدرت بازیگری ترکیه در مصر و منطقه کاسته

شده است، به ویژه آنکه ترکیه تلاش داشت از این موقعیت برای مدیریت پرونده سوریه هم استفاده کند. بنابراین وقایع اخیر مصر به معنای آن است که ترکیه یک متحد را از دست داده است. دولت مرسی روابط گسترده‌ای با ترکیه برقرار کرده بود و برخی از رهبران الإخوان المسلمین این نکته را پنهان نمی‌کردند که ترکیه اگر نه به عنوان الگو اما دست کم به عنوان یک شریک قابل اعتماد و راهبردی برای دولت اسلام‌گرای مصر به شمار می‌رود. از این رو ترکیه احساس می‌کند که یکی از بهترین فرصت‌های خود را برای تحقق به آرمان نوع‌ثمنی‌گری را از دست داد. به این ترتیب ماه عسل ترکیه و مصر بیش از یک سال به طول نینجامید و اردوغان به یکباره متحد خود را در منطقه از دست داد و در نتیجه از نقش و نفوذ این کشور در منطقه به ویژه بحران سوریه به شدت کاسته شد. از طرفی تداوم اعتراض‌ها علیه دولت موقت و عملکرد ارتش در طول ماه‌های پس از کنار زدن مرسی این گمان را به وجود آورده که ارتش و دولت موقت توانایی مدیریت موفق و درازمدت این اوضاع را ندارند و به زودی تحت فشارهای داخلی و منطقه‌ای کنار خواهند رفت و الإخوان المسلمین حتی اگر نتواند مرسی را به قدرت بازگرداند، همچنان به عنوان یک بازیگر سیاسی مهم و اثرگذار ایفای نقش خواهد کرد. بنابراین ترکیه به دنبال آن است که با تداوم سرمایه‌گذاری روی الإخوان و حمایت از دولت مرسی به عنوان دولت دارای مشروعیت، نظر اسلام‌گرایان آن کشور را جلب کند و هم‌سوئی راهبردی را که در طول سال‌های اخیر به وجود آمده بود حفظ کند. حتی خبرهایی شنیده شده است مبنی بر این که اخیراً نشست سازمان بین‌المللی الإخوان المسلمین در ترکیه با حضور مشاور رئیس‌جمهور و معاون وزیر امور خارجه ترکیه برگزار شده و ضمن بررسی راه‌های نجات الإخوان المسلمین مصر، تصمیماتی برای حمایت مالی گسترده از این جنبش اتخاذ شده است. رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه از دبیر کل سازمان ملل خواست فوراً برای مذاکره پیرامون وضعیت مصر از این کشور بازدید کند. بعد از سقوط الإخوان المسلمین طرفداران و حامیان الإخوان دست به اعتراض‌های گسترده زدند که پلیس مصر با کمک نیروهای

امنیتی و نظامی در یک حمله شدید به کمپ‌های طرفداران متحصن رئیس‌جمهور اسلام‌گرای معزول مصر آنها را در هم کوبید. این یورش به کشته شدن ۷۰۰ نفر منجر شد، اردوغان با کشتار خواندن عملیات پلیس مصر گفت: رهبران مصر باید به خاطر عملیات پلیس به طریقی عادلانه و شفاف محاکمه شوند. وی همچنین ملت‌های غربی و دیگران را به خاطر عدم حمایت از محمد مرسی رئیس‌جمهور مخلوع مصر سخت محکوم کرد و گفت: «دست‌های آن‌ها به خون فرزندان بیگناه مصر آغشته است.» حکومت اردوغان با ریشه‌های اسلامی، متحد مرسی و منتقد صریح مداخله نظامی در مصر بود. ارتش مصر در راستای فشار بر اخوان المسلمین و طرفداران آن، بیش از دو هزار تن از اسلامگرایان، از جمله تقریباً تمامی کادر رهبری حزب اخوان المسلمین را بازداشت کردند. محمد مرسی و محمد بدیع، رهبر اخوان المسلمین مصر نیز به اتهام تحریک مردم به اعمال خشونت در بازداشت هستند. دادگاهی در مصر فعالیت این حزب را ممنوع اعلام کرد و دستور داد اموال و دارایی‌های آن ضبط شود. با این حال طرفداران اخوان المسلمین با نزدیک شدن به مناسبت‌های معینی، اعتراضات خود را از سر می‌گیرند. برای نمونه در چهلمین سالگرد جنگ شش روزه اکتبر اعراب و اسرائیل، طرفداران اخوان المسلمین به سوی میدانهای التحریر و رابعه العدویه حرکت کردند، اما با مقابله نیروهای انتظامی حمایت شده توسط یگان‌هایی از ارتش مصر روبرو شدند که در نتیجه آن ۵ نفر تظاهرکننده کشته و ده‌ها نفر زخمی شدند. (<http://peace-ipsc.org>)

فراز و فرود روابط مصر و ترکیه بعد از انقلاب ۳۰ ژوئن

ترکیه پس از انقلاب ۳۰ ژوئن دشمنی آشکار با مصر را در پیش گرفت. ترکیه در طول تاریخ خود به طور مستقیم با مصر از در دشمنی در نیامد مگر پس از انقلاب سی‌ام ژوئن، و آن نیز به این دلیل بود که از یک کشور منطقه‌ای که باید منافع خود را حفظ می‌کرد به طرفی تبدیل شد که در تلاش برای تغییر معادله سیاسی مصر جدید به نفع

جنبش الإخوان المسلمین بود. رویکرد ترکیه فقط به اعلام مواضع اصولی در قبال سرنگونی الإخوان المسلمین در مصر محدود نماند بلکه تا اقدامات سیاسی و امنیتی برای آسیب رساندن به ثبات مصر نیز پیش رفت. به عبارت دیگر ترکیه این اقدامات را در چند محور انجام داد که برخی از آن شامل تلاش برای سلب مشروعیت از رهبری جدید مصر و منزوی کردن آن در سطح منطقه و جهان بود به اضافه اینکه در بخشی دیگر نیز جنبش الإخوان المسلمین را از نظر مالی و نظامی تحت حمایت قرار داد تا از این طریق همان راهبردی را که در برخورد با پرونده سوریه پیاده می‌کرد، تکرار کند. نهادهای امنیتی مصر توانستند با اتخاذ تدابیر متعدد با این چالش‌ها مقابله کنند، در عین حال بیشترین فشاری که از این اقدامات ترکیه، متحمل شدند مربوط به ایجاد ناامنی در سواحل و مرزهای مصر بود تا جایی که این نهادها چند محموله سلاح‌های ترکیه که راهی مصر شده بود، کشف و ضبط کردند. همچنین دو تبعه ترک که با نهاد اطلاعات ترکیه (MIT) همکاری داشته یا وابسته آن بودند، در مصر دستگیر شدند. همچنین ترکیه تلاش کرد با هماهنگی چهارجانبه شامل آنکارا، دوحه، جنبش حماس و الإخوان المسلمین یک «دولت اخوانی در تبعید» و «ارتش مصر آزاد» تشکیل دهد که خاستگاه آن غزه باشد.

از نظر اقتصادی نیز روابط ترکیه با مصر دستخوش تحول شد. اقتصاد نقش مهم اما یکطرفه‌ای را در روابط دو کشور دارد، بدین معنا که یکی از نقاط آسیب پذیر روابط دو کشور از سوی مصر است. موضوع همکاری‌های اقتصادی بر ابعاد سیاسی و اجتماعی غلبه داشتند که در دوران مبارک هم این امر مشخص است به طوری که تا سال ۲۰۰۹، بیش از ۵۰۰ شرکت ترکیه‌ای با حجم سرمایه‌گذاری ۵.۱ دلار در مصر فعالیت داشتند. مصر یکی از کشورهایی است که علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری ترک‌ها در این کشور است و شرکت‌های ترکیه‌ای این کشور را به عنوان دروازه‌ای به دیگر کشورهای قاره می‌دانند. بر طبق گزارش شورای عالی مناطق آزاد مصر در سال ۲۰۰۹، از تعداد ۵۱۰ شرکت ترک، ۹۰ شرکت در بخش نساجی سرمایه‌گذاری کرده‌اند. حجم تجارت بین دو کشور از ۲ میلیارد

دلار در سال ۲۰۰۸ فراتر رفت و قرار بود که این رقم تا سال ۲۰۱۱ به ۵ میلیارد دلار افزایش یابد، که به علت تحولات مصر با اخلال مواجه شد.
(<http://www.tasnimnews.com/1045933>)

در جدول زیر نقش ایران در مقایسه با عربستان، قطر و ترکیه در قبال انقلاب ۲۰۱۱ مصر، حاکمیت إخوان المسلمین (مرسی) و حکومت ارتش (السیسی) بیان شده است:

مصر	انقلاب ۲۰۱۱	حاکمیت إخوان (مرسی)	حاکمیت ارتش (السیسی)
ایران	حمایت	حمایت	حمایت (مصلحتی)
ترکیه	حمایت	حمایت	مخالفت
قطر	حمایت	حمایت	مخالفت
عربستان	مخالفت	مخالفت	حمایت

نتیجه گیری

انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ در مصر که در ۱۱ فوریه (۲۲ بهمن ۱۳۸۹) به پیروزی نهایی رسید را باید مهم ترین پدیده در منطقه خاورمیانه دانست. وجود سه گفتمان؛ اسلام انقلابی با حمایت جمهوری اسلامی ایران، اسلام سکولار با حمایت ترکیه و اسلام سلفی با حمایت عربستان سعودی، قطر و گروه‌های افراطی، مانند القاعده، حکایت از تعارض اساسی میان مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای در شکل دهی به تحولات منطقه‌ای و نظم نوین آینده دارد، گفتمان‌های رقیبی که هر یک برای ایفای نقش بیشتر در تعیین ساختار و توزیع قدرت منطقه‌ای در تلاش می‌باشند.

نتایج پژوهش نشان داد که سیاست خارجی هر یک از این کشورها (ایران، ترکیه، عربستان و قطر) در مورد انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ مصر، در برخی موارد ظاهراً موافق و در برخی موارد هم مخالف یکدیگر می‌باشد. به طور مثال مواضع سه کشور ایران، ترکیه و

قطر در قبال انقلاب ۲۰۱۱ مصر متفاوت با مواضع عربستان سعودی در قبال انقلاب ۲۰۱۱ مصر بود، در حالی که سه کشور نامبرده در نقش حامی انقلاب مردمی مصر ظاهر شدند، عربستان به شدت مخالف حرکت‌های مردمی و وقوع انقلاب در مصر بود. همچنین در حالی که ایران، ترکیه و قطر از إخوان المسلمین مصر حمایت کردند، عربستان مخالف روی کار آمدن إخوان المسلمین در مصر بود، چرا که إخوان گروهی با تفکرات لیبرالی و دموکراتیک بود که با سیاست‌های دیکتاتور منشانه عربستان در تعارض بود. در مورد کودتای ارتش علیه إخوان المسلمین (محمد مرسى) مواضع هر یک از این کشورها نیز متفاوت بود. به این صورت که ترکیه و قطر به شدت مخالف سقوط إخوان و حاکمیت ارتش (السیسی) بودند در حالی که عربستان از سقوط إخوان حمایت و از هیچ تلاشی در راستای برکناری محمد مرسى دریغ نکرد.

مواضع ایران در مورد سقوط إخوان و حاکمیت ارتش محتاطانه بود و نقش معتدلی را ایفا نمود. رویکرد ایران در مورد إخوان در مصر ابتدا رویکردی مثبت بود اما بعد از اینکه ماهیت واقعی إخوان بر ملا شد و سیاست‌های وی با حمایت قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا و حمایت عربستان سعودی همراه شد مواضع ایران در قبال إخوان تغییر کرد و نقش ایران از یک کشور حامی إخوان به کشوری مخالف یا حداقل بی طرف تبدیل شد. بر خلاف ترکیه و قطر که علنی با کودتای ارتش علیه إخوان مخالفت کردند، ایران به طور ظاهری و مصلحتی از السیسی حمایت کرد. لذا مواضع ایران در قبال ارتش مصر کمی تعدیل شد و از ترکیه و قطر فاصله گرفت. ایران از بین بد (السیسی) و بدتر (مرسى) بد را انتخاب کرد به امید آینده‌ای روشن تر و زنده بودن بارقه‌های امید در برای برقراری روابط گسترده دو طرفه در تمام زمینه‌هایی که طرفین مستعد آن هستند. بطور کلی در مورد انقلاب ۲۰۱۱ مصر و حوادث بعد آن، مواضع سه کشور ایران، ترکیه و قطر به ظاهر مشابه یکدیگر هستند، در حالی که ایران از انقلاب مردم مصر و منطقه به عنوان "بیداری

اسلامی " نام می‌برد؛ ترکیه و قطر آن را " بهار عربی " و در امتداد جنبش لیبرال دموکراسی می‌دانند.

آنچه مسلم است بخشی از تعارضات میان ایران، عربستان، ترکیه و قطر ناشی از اختلاف منافع دو جانبه است اما فراتر از آن باید آن را در سطح منطقه‌ای و تعارضات نقشی آنها در معادلات قدرت در منطقه و جایگاه هر یک در نظم نوین آینده دانست زیرا روابط بین این کشورها غیر از حوادث مصر دستخوش تنش‌های جدی دیگری نیز است که از جمله آنها مسئله سوریه و نظام حاکم آن است. در سوریه کشورهای ترکیه، قطر و عربستان از مخالفان بشار اسد حمایت می‌کنند، در حالی که کشور سوریه هم پیمان استراتژیکی ایران در خاورمیانه محسوب می‌شود، در طول بحران سوریه، حمایت ایران از بشار اسد تنها به حمایت‌های لفظی محدود نشده است، بلکه جمهوری اسلامی ایران اقدام به حمایت‌های تسلیحاتی و نیز فرستادن برخی از فرماندهان نظامی خود به خاک سوریه برای مقابله با گروه‌های شورشی و تروریستی در کنار نیروهای دولت سوریه کرده است. در مجموع، گرچه انقلاب مصر ناتمام ماند و به ظاهر نیروهای مخالف انقلاب حاکم شدند اما منطقه همچنان ناآرام است و تعارض میان نیروهای انقلابی و محافظه کار همچنان ادامه دارد و تثبیت ساختار قدرت جدید و یا توازن قدرت با حفظ منافع حقیقی ملت‌های منطقه می‌تواند ثبات و امنیت را تضمین نماید.

فهرست منابع

۱. آقاداتی، میثم، گفتگوهایی در بیداری اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲.
۲. ابراهیمی کیایی، هادی، نسبت انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی (تونس و مصر)، تهران، ناشر: گروه انتشاراتی بین المللی الهدی، ۱۳۹۳.
۳. پورسعید، فرزاد، بیداری اسلامی در جهان عرب؛ مطالعات نظری و موردی، تهران، ناشر، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۲.
۴. حسینی عارف، سید علیرضا، ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۰- بیداری اسلامی در بهار انقلاب‌های عربی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ° معاونت و تبلیغی ° اداره چاپ و نشر، ۱۳۹۰.
۵. استیری، لیلا، گرایش به کشورهای اسلامی در سیاست خارجی ترکیه با تأکید بر ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، زمستان، ۱۳۹۰.
6. <http://www.shia-news.com/58491>, ۱۳۹۲ تیر ۱۹.
۷. <http://www.moqavemat.ir/85112>.
8. <http://www.fardanews.com/135144>, ۱۳۸۹ بهمن ۹.
9. <http://www.fardanews.com/135261>, ۱۳۸۹ بهمن ۱۰.
10. <http://www.siasi.porsemani.ir>, ۱۳۹۵ مرداد ۹.
11. <http://www.ettelaat.com/25645>, ۱۳۹۲ تیر ۳۰.
12. <http://peace-ipsc.org>, ۱۳۹۲ مرداد ۱۸.
13. <http://peace-ipsc.org>, ۱۳۹۱ تیر ۲۵.
14. <http://alef.ir/95505>, ۱۳۸۹ بهمن ۲۲.
15. <http://www.tasnimnew.com/1045933>, ۱۳۹۵ فروردین ۲۴.